

شفیعی کدکنی

گزینہ اشعار

فهرست

۸۶	باسخ	۵	بادآوری
۸۷	خموشانه	۷	گفت و گو
۸۹	گفت و گو	۳۱	گزیده اشعار
۹۲	دبیاچه	۳۳	آرزو
۹۴	باغ میرا	۳۴	یک مژه خفتن
۹۶	سوره روشنایی	۳۶	زمزمه‌ها
۹۸	از لحظه‌های آبی	۳۹	سبعمرغ
۱۰۰	جوانی	۴۲	در نور گل‌های مهتاب‌گونِ افاقی
۱۰۱	دو چهرهٔ درخت	۴۵	خشک سال
۱۰۲	حقی به روزگاران	۴۷	باغ برهنه
۱۰۴	دبیاچه	۴۹	زنهار...
۱۰۷	آن عاشقانِ شرزه	۵۱	سفرنامهٔ باران
۱۰۸	آوارهٔ بُمگان	۵۲	کوچ بنفشه‌ها
۱۱۱	مزمورِ بهار	۵۴	درختِ روشنایی
۱۱۳	غزلی در مایهٔ شور و شکستن	۵۷	مرثیهٔ درخت
۱۱۵	هویتِ جاری	۶۱	چه بگویم
۱۱۷	آینه‌ای برای صداها	۶۲	نمازِ خوف
۱۱۹	پرسش ۲	۶۷	مناجات
۱۲۰	در برابر درخت	۶۸	دو خط
۱۲۲	مرد ایستاده است	۷۰	دبیاچه
۱۲۴	پژواک	۷۳	سفر به خیر
۱۲۷	هزارهٔ دوم آهوی کوهی	۷۵	فصل پنجم
۱۳۱	چراغی دیگر	۷۸	دریا
۱۳۳	مرغان ابراهیم	۷۹	حلاج
۱۳۷	در جست و جوی نشابور	۸۲	دیدار

یادآوری

قرار چنان بود که دوّمین «گزینه شعرِ مروارید» همین گزینه باشد که اکنون در اختیار شماست. بسکه آدم جالاک و سریع السیری هستم - کاری که ظرف یک شب فراهم می‌آمد - تا اینجا که می‌بینید شانزده سالی به تأخیر افتاد. با اینهمه هیچ‌کس ازین بابت زبانی ندیده است. حالا هم که نشر می‌شود بیشتر پاسخی است به اعتراضی که دانشجویان و جوانان داشتند به قیمت آینه‌ای برای صداها یعنی تجدید چاپ یک جلدی: «زمزمه‌ها»، «شبخوانی»، «از زبانِ برگ»، «در کوچه باغهای نشابور»، «مثلِ درخت در شبِ باران»، «از بودن و سرودن» و «بوی جوی مولیان» و نیز هزاره دوّم آهوی کوهی یعنی چاپ یک جلدی پنج دفتر: «مرثیه‌های سُرّو کاشمر»، «خطی ز دلنگی»، «غزل برای گلی آفتابگردان»، «در ستایش کبوترها» و «ستاره دنباله دار».

این گزینه شامل حدود یک صد شعر است از میان قریب چهارصد و شصت شعر آن دوازده دفتر. و چون همین فولی را که به انتشاراتِ مروارید داده بودم، از سالیانی دور، به نشر چشمه نیز داده بودم، کوشیدم شعرها را طوری انتخاب کنم که این دو گزینه مروارید و چشمه «شعرِ مشترک» نداشته باشد. اما این کار عملی نشد و باز هم شعرهایی از این دو گزینه، مشترک از کار درآمد؛ اگر کسانی هر دو را داشته باشند مرا، ازین بابت، ملامت نکنند. هرچه باشم اهل کتاب سازی نیستم. ناشر محترم اصراری دارد که این گزینه مقدمه‌ای داشته باشد. از آنجا که در جناح سفری به خارج هستم که اگر عمری باشد، بظاهر یک سالی طول می‌کشد، بخش

۱۴۰	جامه بامدادی	۱۹۳	بَر تَبّ شُدی
۱۴۲	برده‌ها	۱۹۵	وَرَن جهان
۱۴۵	فتح‌ها	۱۹۷	نوشدارو بعد از سهراب
۱۴۹	آهستن	۱۹۹	از مرثیه‌های سرو کاشمر
۱۵۱	بابیز	۲۰۰	درین قحط سالی دمشقی
۱۵۳	نکوهش	۲۰۱	معجزه
۱۵۴	مرعظه غوک	۲۰۴	سبزی خزه
۱۵۶	جامه دران	۲۰۶	باران بیش از رستنخیز
۱۵۹	زنده بیدار	۲۰۸	نوح جدید
۱۶۱	در پایان کوی	۲۱۱	خطی ز دلنگی
۱۶۳	زمین در فضا	۲۱۳	مردی ست می‌شُراید
۱۶۴	جعبه سیاه	۲۱۴	مرثیه دوست
۱۶۶	صاعقه	۲۱۶	حماسه بی‌فهرمان
۱۶۸	مناجات	۲۱۷	زنگ شتر
۱۷۰	شبیخراغ	۲۱۹	إرسال المثلّ
۱۷۱	صرف و نحو زندگی	۲۲۱	آبریزان
۱۷۴	گریز در آینه	۲۲۳	آرایش خورشید
۱۷۵	چشم انداز دیگر	۲۲۴	غزل برای گلی آفتابگردان
۱۷۸	ستاره دنباله‌دار	۲۲۵	دامن آفتاب
۱۷۹	ملکوت زمین	۲۲۷	خوشا برنده
۱۸۱	در من و بر من	۲۲۸	همسفر
۱۸۲	شعر (۱)	۲۳۰	نام بزرگ
۱۸۳	زان بنجره شگرف	۲۳۲	شعبده باز
۱۸۵	قرار زندگی	۲۳۳	آینه
۱۸۷	در ناگزیر دهر	۲۳۴	مثل نقاشی کودکان
۱۸۹	عبور گندم از زمستان	۲۳۵	سیمای صبح
۱۹۱			سبز در سبز

اول مصاحبه‌ای را که در آلمان، به سال ۱۳۶۹ با من کرده بودند^(۱) به جای آن مقدمه از من بپذیرید. بخش دوم این مصاحبه - که شامل گزارشی تفصیلی بود از تحویل سلیقه شعری من از دوره جوانی و انجمن‌های ادبی خراسان تا سیر و سلوک در اکتفورد و پرینستون - گویا، «تصویر»ش باقی است و «صدا»ها از بین رفته است؛ تا هیچ کس از ما دل خوش نکند که تنها صداست که می‌ماند.

تهران، ۲۰ شهریور ۱۳۷۷
ش. ک.

گفت و گو

این گفتگو در بهار ۱۳۶۹ با دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی انجام شده است و اکنون بخش اول آن، که در آن سخن بیشتر بر سر نخستین تجربه‌ها در شاعری و نیز توصیف محیط ادبی خراسان است، به شکل اتدکی کوتاه شده، برای اولین بار چاپ می‌شود. پرسشگران کوشیده‌اند که بیشتر شنونده باشند. برای بازتاب درست‌تر شیوه گفتار، ویرایش متن پیاده شده از نوار به حد اقل ممکن تقلیل داده شده است. با سپاس از دوستان پرسشگر که متن این گفتگو را در اختیار نشریه گذاشته‌اند.^(۱)

○ ممکن است بگویید اولین تجربه‌های شعری شما در چه سنی شروع شد؟ از چه موقع احساس کردید که شعر برایتان یک مسئله جدی شده که دیگر مسئله زندگی شماست؟ اولین تشویقها... و خلاصه تاریخچه گونه‌ای از اولین تجربه‌ها...

■ والله، سؤالی که می‌کنید تقریباً برای خود من هم تازگی دارد... این جوری فکر نکرده بودم... ولی شعری که در ذهنم مانده باشد و یا سندی مکتوب ازش داشته باشم، فکر نمی‌کنم در حدود زیر سن ۱۵ سالگی چیزی در حافظه‌م یا در

۱- نقل از گاهنامه ویژه شعر، سال اول، شماره اول، مهرماه ۱۳۷۴/اکتبر ۱۹۹۵، چاپ فرانکفورت، آلمان.

۱- این مصاحبه در شهر فرانکفورت، در آلمان، در بهار ۱۳۶۹ انجام گرفته و این در سفری بود که به همراه زنده یاد «مهدی اخوان ثالث» به آن بلاد رفتم برای شرکت در یک کنگره شعر، در خانه فرهنگ جهان Haus der Kulturen der Welt در برلین. چند غلط مطبعی و چند غلط شنیداری در اینجا اصلاح شد ولی زبان محاوره - با همه تکرارها و لکت هابش - محفوظ ماند تا از حالت طبیعی به خطابه و مقاله تبدیل نشود.